

محمد جعفر چمنکار*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۴

چکیده

سرزمین عمان با دارا بودن بیش از دویست عشیره و طایفه، گروه‌های نژادی گوناگون، مذاهب مختلف، طیف وسیع متضادی از اقوام و فرهنگ‌ها را در خود جای داده است. هدف از این پژوهش بررسی تفاوت‌های قومی و چالش‌های حاصل از آن و سیاست دولت مسقط در برخورد با این فعل و انفعالات اجتماعی است. بر این اساس دولت پادشاهی عمان با انجام مجموعه اصلاحات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و به‌ویژه اقتصادی، سعی نموده است ضمن ایجاد زیربنای توسعه، خشونت‌ها و حرکت‌های مرکزگرایانه را کاهش داده و تعدیل نموده و از آنچه بهار عربی خوانده می‌شود، جلوگیری نماید.

کلید واژه‌ها: سلطنت عمان، تنوع فرهنگی، چالش‌های اجتماعی، اصلاحات، بهار عربی

* استادیار دانشگاه ارومیه

southstar_boy@yahoo.com

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیستم، شماره اول، بهار ۱۳۹۲، صص ۱۵۰ - ۱۲۵.

مقدمه

کشور سلطان نشین عمان با ۲۱۲ هزار و ۶۲۰ کیلومتر مربع مساحت در جنوب غربی دریای عمان و شرق عربستان سعودی قرار دارد. بخشی از خاک این کشور به صورت شبه جزیره‌ای در جنوب تنگه هرمز واقع شده که به شبه جزیره «مسندام» معروف است. سلطنت عمان از شمال غرب با امارات متحده عربی، از غرب با عربستان سعودی و از جنوب غرب با یمن همسایه است. بیشتر بخش‌های کشور عمان را رشته کوه‌های بزرگ و سخت‌گذر حجر می‌پوشاند. در عین حال در این سرزمین می‌توان زمین‌های حاصل خیز را در جنوب شرق و مناطقی شبه‌استوایی مانند صحرای ربع‌الخالی مشاهده نمود. در کشور پادشاهی عمان رییس حکومت و رییس دولت، پادشاه است که در حال حاضر این سمت به عهده سلطان قابوس می‌باشد. او سمت نخست‌وزیری عمان را نیز دارد. سلطان قابوس در ۱۹۷۰ به پادشاهی رسید و در ۱۹۷۲ نخست‌وزیری را نیز عهده‌دار شد. مجلس سنای این کشور ۷۰ کرسی دارد که نمایندگان آن را پادشاه تعیین می‌کند. این نمایندگان در حقیقت تنها قدرت ارایه مشاوره را دارند و قدرت اجرایی ندارند. مجلس شورا مجلس دیگر این کشور است که ۸۴ کرسی دارد و نمایندگان آن با رای مردم برای دوره ۴ ساله انتخاب می‌شوند. نمایندگان این مجلس در برخی موارد قانون تعیین می‌کنند و جز آن بیشتر سمت مشاوره‌ای دارند.

اقتصاد عمان تقریباً به‌طور کل وابسته به صادرات نفت و گاز طبیعی است. به دلیل کم‌آبی، کمتر از یک درصد مساحت عمان زیر کشت می‌رود. تولید ناخالص داخلی در این کشور ۶۱/۶۱ میلیارد دلار است. ۹۲۰ هزار نفر نیروی کار این کشور را تشکیل می‌دهند. نرخ بیکاری در این کشور ۱۵ درصد است. عمان هم مانند دیگر همسایگان خود به منابعی از نفت دسترسی دارد و روزانه حدود ۷۴۰ هزار بشکه نفت تولید می‌کند. این کشور منابعی از گاز هم دارد. محصولات صادراتی آن شامل نفت، کالاهای ترانزیتی، ماهی، آهن‌آلات و منسوجات است که به کشورهای چین (۲۳/۲ درصد)، کره جنوبی (۱۹/۲ درصد)، ژاپن (۱۲/۲ درصد)، تایلند (۸/۹ درصد)، آفریقای جنوبی (۸/۳ درصد)، امارات متحده عربی (۶/۵ درصد) و تایوان (۴/۲ درصد) صادر می‌شود. محصولات وارداتی این کشور شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل، کالاهای تولیدی کارخانه‌ای، مواد غذایی،

احشام زنده و لغزاننده‌هاست که از کشورهای امارات متحده عربی (۱۹/۷ درصد)، ژاپن (۱۸ درصد)، آمریکا (۷/۵ درصد)، آلمان (۵/۳ درصد) و هند (۴/۲ درصد) وارد می‌شود. پژوهش حاضر بر اساس سابقه ذهنی و مطالعاتی نگارنده و بر پایه پژوهش‌های کتابخانه‌ای، میدانی، بررسی شماره‌های گوناگون روزنامه‌های اطلاعات، کیهان، آیندگان و رستاخیز و پاره‌ای از مجلات نظامی و اقتصادی از ابتدای دهه ۱۳۵۰ و کودتای سلطان قابوس تا اواخر ۱۳۵۷ بررسی و استفاده از اسناد و مدارک منتشر نشده در آرشیوهای گوناگون و سپس انطباق آن با کتب فارسی و انگلیسی و مشاهدات عینی از کشور عمان صورت پذیرفته است. در این نوشتار نگارنده تلاش نموده است با معرفی تنوع نژادی و فرهنگی عمان، اقدامات حکومت مرکزی در برخورد با چالش‌های روبه‌رو را بررسی نماید. بر این اساس، سعی شده است به این پرسش پاسخ داده شود که تنوع سیاسی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و جغرافیایی جامعه عمان چگونه است و دولت این کشور با هدف تعدیل این‌گونه تضادها، تحت تاثیر ضرورت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی حاصل از بهار عربی، فرایند اصلاحات را چگونه مدیریت نموده است؟

ساختار نژادی

بر اساس سرشماری در سال ۱۹۹۳، عمان بالغ بر ۲/۰۱۸/۰۷۴ نفر جمعیت داشته که شامل ۱/۴۸۳/۲۲۶ نفر عمانی‌الاصل و ۵۳۴/۸۴۸ نفر غیرعمانی بوده است. بدین ترتیب تراکم جمعیت در هر کیلومتر مربع ۶/۵ نفر است.^۱ سلطنت‌نشین عمان، جامعه‌ای قبیله‌ای با تکیه بر تعصبات و آداب و سنن و رسومات عشیره‌ای سنتی کهن است. بیش از دویست قبیله در این کشور یافت می‌شود که از مشخص‌ترین ویژگی‌های اجتماعی این سرزمین به‌شمار می‌آید. عظمت قرون گذشته و حضور کشورهای بیگانه، باعث گرد آمدن مجموعه‌ای گوناگون از نژادهای عرب و غیرعرب شده است. برای نمونه بلوچ‌ها که حتی ۴ درصد از جمعیت عمان را تشکیل می‌دهند،^۲ در قرون گذشته با توجه به روابط گسترده سلاطین عمان با ناحیه گوادار پاکستان، به این کشور نقل مکان کرده‌اند. آنها در سواحل باطنه و استان ظاهره سکنی گزیدند و به مرور، ضمن آمیختگی با نژادهای بومی، با محیط خود تطبیق یافتند؛ چنان که امروزه قبیله بنی‌بلوش در

این منطقه ریشه در بلوچ‌های مهاجر اولیه دارند.^۳ گروه دیگری از اقلیت‌های نژادی عمان، خوجه یا خواجه‌ها (حیدرآبادی، لواتیا) هستند که هندی‌الاصل بوده، ابتدا برای کارهای تجاری و با نیروهای انگلیسی وارد عمان شده و به تدریج ساکن آنجا شدند، آنها که در ابتدا مذهب شیعه اسماعیلی داشتند با اثرپذیری از روحانیان منطقه به شیعه اثنی‌عشری گرایش یافتند.^۴ حیدرآبادی‌ها به سبب آشنایی با زبان انگلیسی و نیز آگاهی از اصول جدید تجارت، به سرعت پیشرفت کردند و بخش مهمی از بازار مسقط و عمان را در دست گرفتند. همچنین، افرادی از آنها در دستگاه سلطنت کارهای دولتی به عهده دارند. وضع نسبتاً مرفه لواتیا که آنها را بخش متمایز جامعه ساخته است، به آنان امکان می‌دهد که سفر کنند و با خویشاوندان خود در هندوستان تماس یابند، و نیز از اماکن مقدسه شیعیان در عراق و ایران بازدید کنند و پیوسته آگاهی بیشتری به مسایل جهان و اوضاع روز به دست آورند و از خود طبقه آگاه و کارآمدی به وجود آورند.

کوچک بودن عمان و نزدیکی محل زندگی لواتیا در مطرح به دربار خانواده‌های درباری در مسقط قدیم، رابطه ویژه‌ای بین دو طرف ایجاد کرده است. در تحولات سیاسی - اجتماعی عمان، همچون جنگ‌های داخلی بین طرفداران سلطنت و طرفداران امامت و جنگ‌های خارجی، مانند جنگ بریمی بین عمان و عربستان سعودی در ۱۹۵۶ و نیز در مشکلات و مسایل اقتصادی کشور، حمایت دوجانبه سلطان و لواتیا در کار بود. شاید انگیزه اصلی حمایت لواتیا از سلطان، جلب پشتیبانی او در برخوردهای قبیله‌ای و اعتقادی لواتیاست که اقلیت بودن آنان ضروری می‌داشت.

علاوه بر مسلمانان، گروهی از هندیان هندومذهب نیز در عمان اقامت دارند، اما بیشتر مردم ناحیه عمان داخلی، اعراب خالص هستند. در مناطق جنوبی کشور سیاه‌پوستان و مهاجران آفریقایی‌الاصل به علت تجارت برده و همچنین روابط گسترده سلاطین عمان با آفریقای شرقی حضوری گسترده دارند. در شمال عمان یا مسندام قبایل شیعو سکنی دارند که می‌توان به بنی‌الاحم، بنی علی، کمارزه، قیشه، مهاییب و قبیله بنی یدید اشاره کرد. قبایل شیعو گویشی نامتجانس با زبان عربی دارند که مخلوطی از لغات فارسی، عربی و هندی در آن وجود دارد. آنها از لحاظ دینی، حنبلی مذهب هستند.^۵ از دیگر اقوام عمان، بهارینه‌ها هستند که مردمی با اصالت نیمه‌عرب و نیمه ایرانی بوده، عمدتاً سوابق ایرانی و عراقی داشته، پیرو شیعه اثنی‌عشری هستند.^۶

بهارینه، گرچه کوچک‌ترین جامعه شیعیان عمان را تشکیل می‌دهد، به سبب افراد ذی‌نفوذی که در دستگاه دولت دارد و نیز اعتبار تجار بزرگ آن، از معروفیت و موقعیتی مشابه با شیعیان لواتی برخوردار است.

مذهب

سرزمین عمان از نخستین مناطقی بود که مردمانش در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) اسلام را پذیرا شدند. پس از نبرد نهروان، گروهی از خوارج به رهبری عبدالله بن فدیك با توجه به دورافتادگی عمان، به این سرزمین مهاجرت کرده و آنجا را مرکز عملیات خود قرار دادند.^۷ به تدریج با گرایش مردم عمان، شاخه‌ای از خوارج به نام فرقه اباضیه در این سرزمین توسعه یافت. اباضیه پیروان عبدالله بن اباض تمیمی بودند. اباضیه که هم از تسنن و هم از شیعه‌گری جداست، هرچند از نظر شمار پیروان در مقایسه با سنیان و شیعیان گروه کوچکی به حساب می‌آید، اما از نظر تاریخی جریانی بسیار مهم است. وجه تمایز این گروه از دیگر خوارج آن بود که به مخالفان خود چنان سخت نمی‌گرفتند. بر اساس تفکرات جدید این شاخه، بسیاری از افکار سنتی خوارج همچون مباح دانستن قتل عناصر غیر خارجی، منسوخ و مطرود شد.^۸ بنابر اعتقادات پیروان اباضیه، ازدواج با غیرخارجیان روا بوده، خارجی و غیرخارجی از هم ارث می‌برند. آنها با گرایش به اقدامات صلح‌جویانه، جنگ با غیرخوارج و اسارت ناگهانی آنها را رد می‌کردند، مگر آنکه ابتدا حجت بر آنان تمام شود و سپس جنگ درگیرد. آنان غنایمی غیر از اسب و اسلحه را حرام شمرده، جواهرات و چیزهای دیگر را به دشمنان مسترد می‌کردند. سرزمین مخالفانی که مسلمان باشند، دچار توحید بوده مگر لشکرگاه حاکم که سرزمین طغیان است. آنها معتقد بودند که مسلمان مرتکب گناه کبیره موحد است، ولی مؤمن نیست، کافر نعمت است ولی کافر دین نیست؛ زیرا از آنجا که به خدا و رسول احترام می‌گذارد باید او را موحد دانست، اما چون از شکر نعمت خدا دریغ کرده و از فرمان او سرپیچی و نعمت او را کفران کرده، پس کافر نعمت است. اعمال بندگان، مخلوق خداست، اما به حقیقت و نه از روی مجاز، به بندگان منتسب می‌شود. اوامر و نواهی خدا خاص مؤمن نبوده، متوجه کافر نیز هست؛ زیرا در قرآن امر و نهی به صورت عام است.^۹ اباضیه مذهب خود را الدعوه،

مذهب الحق، فرقه المحقه و فرقه الناجیه می خوانند و آن را کهن ترین مذهب اسلامی، نزدیک ترین مذهب به عصر نبوت و نزدیک ترین مذهب به روح اسلام می دانند. اباضیه میانه روتر از دیگر گروه های خوارج به شمار می روند و به همین جهت نزدیک ترین گروه خوارج به اهل سنت به شمار می آیند. اباضیه از اواسط قرن دوم هجری به مذهب بیشتر مردم عمان بدل شد. در نتیجه با حضور گسترده پیروان اباضی و گروه اقلیتی از اهل تسنن، این کشور در طول تاریخ صحنه نبردهای خونین مذهبی فراوانی بوده است. امروزه نیز پیروان مذهب اباضی اکثریت را دارا بوده و حاکمان خانواده آل ابوسعید نیز از طرفداران آن به شمار می روند. به طور کلی عمان تنها موطن اساسی اسلام اباضی در سطح جهان و دنیای اسلام محسوب می شود.^{۱۰} در عمان پیروان اباضیه به ۱/۳۴۰/۰۰۰ نفر می رسند.^{۱۱}

علاوه بر مذهب اکثریت عامه مردم، اقلیت های دینی دیگری نیز در این کشور زندگی می کنند. حدود ۲۳ درصد جمعیت کل این کشور را شیعیان تشکیل می دهند. این آمار، گرچه بر اساس اطلس جهانی ارایه شده، ولی باز هم تخمینی است. در هر حال، تقریباً یک چهارم جمعیت عمان شیعه هستند. شیعه اسماعیلیه با پیروانی بالغ بر ۴۷۴/۳۹۷ نفر پس از اباضیه بیشترین طرفدار را داراست. شیعیان اثنی عشری نیز با حدود ۳۰/۰۰۰ نفر، ۳ درصد از جمعیت عمان را تشکیل می دهند. بیشتر شیعیان در مسقط و شهرهای استان ساحلی باطنه سکونت دارند. بخشی از آنها با نام خوبی شناخته می شوند که در اصل هندی بوده و به نام حیدرآبادی شهرت دارند. دسته ای دیگر، بهارینه هستند که مهاجران بحرین و مناطق شمالی خلیج فارس هستند، دسته ای نیز عجم اند. عجم ها به رغم تعداد زیادشان، به طور عمده به اموری همچون دستورزی و یا کاسبی جزء و پیشه وری اشتغال دارند و از طبقات متوسط اقتصادی عمان به شمار می روند. بیشتر آنها از مهاجران بندرعباس، لار، رودون، راوند و بلوچستان هستند. به نظر می رسد گروه سوم، در یکصد سال گذشته از شهرهای جنوبی ایران به عمان رفته اند. بنابراین، ظاهراً تمامی این افراد از مهاجرانی هستند که در طول سالیان طولانی به عمان مهاجرت کرده اند و از این رو به اعتقاد برخی، عمانی الاصل نیستند، در حالی که برخی دیگر نظری متفاوت ارایه می دهند. به اعتقاد آنان، این گروه ها در اصل عمانی هایی هستند که پس از سال ها مهاجرت به کشورهای بحرین، هند و

ایران، به وطن خویش بازگشته‌اند. بیشتر شیعیان این کشور، به لحاظ اقتصادی در وضع مطلوبی به سر می‌برند و شاید همین امر سبب شده نسل جدید آنان، به تحصیل در سطوح بالای علمی مبادرت ورزند و در زمینه‌های علمی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردند که می‌تواند در آینده‌ای نه‌چندان دور، تاثیر شگرفی بر وضعیت سیاسی-اجتماعی آنان بر جای گذارد. شیعیان، امروز یکی از نیروهای اثرگذار در جامعه عمان به‌شمار می‌روند و رهبران و جامعه آنان را به‌عنوان شهروندانی باتقوا و صالح توصیف کرده‌اند و پست‌های دولتی مهمی را نیز تصدی می‌کنند. اهل تسنن عمان نیز ۳۸۰ هزار نفر هستند که بیشتر در منطقه مسندام و جنوب کشور زندگی می‌کنند. پیروان ادیان یهود و مسیحیت نیز حدود ۲ درصد از جمعیت عمان را تشکیل می‌دهند.^{۱۲}

سلسله ابوسعید

دو سلسله در تاریخ عمان، پدیدآورنده تحولات و دگرگونی‌های عمیقی بوده‌اند:

۱. سلسله یعاربه، که بر اساس امامت انتخابی و با مذهب اباضی و مشروعیت کامل حکومت می‌کردند؛

۲. خاندان آل ابوسعید که سلسله‌ای اباضی مذهب هستند و از واپسین سال‌های نیمه نخست سده ۱۲ هجری ۱۸ میلادی تا به امروز، بر عمان فرمان‌روایی کرده‌اند. نبردهای داخلی بین حناوها یا طرفداران امام و غافری‌ها از مخالفان امام، سرانجام با پیروزی غافری‌ها و تاسیس حکومت ابوسعیدی توسط احمد بن سعید در سال ۱۷۴۹ به پایان رسید و دین و حکومت از هم جدا شد.^{۱۳} سلسله ابوسعید در عمان تا به امروز سیزده سلطان را بر خویش دیده است که نخستین آن امام احمد بن سعید و آخرین آن نیز که در ابتدای دهه ۱۹۷۰ بر تخت نشست، قابوس بن سعید است.

در سال ۱۸۹۱ فیصل ترکی پیمانی را با انگلستان منعقد کرد که بر اساس آن زمام اداره مسقط و عمان به‌دست انگلیسی‌ها افتاد. پس از مرگ او در سال ۱۹۱۳، قبایل مختلف عمان سر به شورش برداشتند و امامی را مطابق رسوم سنتی قبیله‌ای و عشیره‌ای در شهر نیزوا (نیروی) انتخاب کردند که این کار از سوی نیروهای انگلیسی سرکوب شد. اما قبایل با انتخاب مجدد،

عبدالرحمن محمدالخلیل را به امامت رساندند و در نهایت قرارداد معروف یسب بین رهبران قدرتمند طوایف عمان داخلی با حکومت مسقط به امضا رسید.^{۱۴} این قرارداد که در ۲۵ سپتامبر ۱۹۲۰ و با نظارت نماینده انگلستان در روستای یسب در استان باطنه و در حدود ۴۸ کیلومتری غرب مسقط منعقد شد، به هفت سال شورش داخلی پایان داد و صلحی ۳۵ ساله را به ارمغان آورد. از سوی دیگر، همین قرارداد با توجه به مفاد آن مبنی بر عدم دخالت سلطان در امور داخلی قبایل عمان، زمینه‌ساز و علت اصلی برخوردها و شورش‌های خونین بعدی میان رؤسای قبایل و سلاطین عمان شد. با مرگ امام محمد بن عبدالله الخلیلی در سال ۱۹۵۴، ساختار امامت سنتی به‌عنوان یک نیروی گریز از مرکز و مستقل انتخابی طوایف داخلی عمان پس از ۱۲۰۰ سال حیات پرفراز و نشیب اضمحلال یافت،^{۱۵} به‌طوری که شورش‌های امام غالب بن علی بن هلال و برادرش طالب بن علی علیه دولت مرکزی به‌منظور تجدید حیات سنت امامت با وجود پشتیبانی قبایل داخلی عمان و حتی عربستان سعودی نیز راه به جایی نبرد و در سال ۱۹۵۵ با دخالت گسترده ارتش مسقط و انگلستان سرکوب شد.^{۱۶}

جامعه و فرهنگ متفاوت استان ظفار

جمعیت استان ظفار در جنوب سلطنت عمان بر اساس سرشماری سال ۱۹۹۳، بالغ بر ۱۸۹/۰۹۴ بود.^{۱۷} مرکز استان ظفار، بندر صلاله است و از دیگر مناطق با اهمیت آن می‌توان از مرباط (میربت)، تاقا (تاقه) در شرق و راخیوت (راخیوط) در غرب و ثمریت (ثارمیت) در شمال شرقی نام برد. مردم ظفار خود را از نظر فرهنگی و دینی و اجدادی از دیگر مردم عمان متمایز می‌دانند و هیچ‌گونه پیوند واقعی فرهنگی، قبیله‌ای، اقتصادی و یا تاریخی قائل نیستند. آنچه که در حقیقت رابط بین عمان و ظفار است، تنها از لحاظ جغرافیایی می‌باشد.^{۱۸}

جیمز موریس، روزنامه‌نگار انگلیسی، که در سال ۱۹۵۴-۵ از ظفار بازدید کرده، مردم آن را این‌گونه توصیف می‌کند: «مردمانی کوتاه‌قد، خنده‌رو با ریش و سبیل انبوه، بسیار چابک و چالاک و مردد در انتقال دوستی و اظهار محبت که به آواز محزون عاشقانه نیمه‌شب عشق می‌ورزند و مردمانی که عمدتاً به عدن و حضرموت تعلق خاطر دارند»^{۱۹}

ظفاری‌های اصیل، مردمانی کوتاه قد و دارای پوستی تیره‌رنگند که قابل تمایز با سیلانی‌ها و اتیوپی‌ها و حتی ساکنان مجاور در حضرموت و مَهره یمن هستند. از لحاظ نژادی بیشتر طوایف مختلف ظفار از تیره ودایی به‌شمار می‌روند که ساکنان اولیه سیلان و جنوب هند پیش از حمله اقوام آریایی در قرن ششم قبل از میلاد بوده‌اند.^{۲۰} احتمال می‌رود رگه‌هایی از اقوام کوشیت و یا حامی‌ها نیز هنوز در ظفار وجود داشته باشند؛ چرا که مردمان کوهستان از قیافه، رسوم و سنت‌هایی برخوردارند که بستگی شدیدشان را با ملت‌های اولیه حامی یا هامیت از آفریقای شرقی نشان می‌دهد.^{۲۱} مردم ظفار از نظر مذهبی اهل تسنن هستند، اما به‌خصوص در میان کوهستان‌نشینان، اسلام تقریباً ضعیف مانده است و به‌طور کلی می‌توان گفت که از لحاظ دینی با دیگر مناطق عمان که دارای عقاید اباضی، شیعه و سنی هستند تفاوت عمده‌ای وجود دارد. علت اصلی ضعف اسلام در این ناحیه، دوری ظفار از نظر تاریخی نسبت به تحولات اعراب مسلمان و تاکید بر رسوم و سنن به‌جای مانده از دوران پیش از حاکمیت اسلام بوده است. مذاهب رایج در این ناحیه، بستگی‌های شدیدی را نسبت به ادیان قبل از اسلام نشان می‌دهند که آمیزه‌ای از توتمیسم، خرافات، قربانی، ارواح خیر و شر و آداب و رسوم جادوگری است. عشایر ساکن مجاور شهرها از دین اسلام متأثر شده ولی در عین حال مذاهب گذشته خود را نیز حفظ کرده‌اند. در مذهب آنها برای رهایی از شر ارواح و شیاطین، قربانی کردن حیوانات و رسومی از این نوع بسیار رایج بوده و جزو اصول اصلی مذهب محسوب می‌شود. این رسوم مستلزم بسیاری از منکرات و پرهیزهاست که منع خوردن از سبزی‌ها و یا گوشت برخی از حیوانات مانند گوشت پرنده‌گان، جوجه و تخم مرغ از آن جمله است. حمل بار به‌وسیله الاغ نیز نهی می‌شود. بسیاری از افراد عشایر چه زن و چه مرد طلسم‌بندهایی مخصوص و یا دیگر آویزها و تعویذها برای دفع شر به خود می‌آویزند و اشکال و علائم روی پوست نزد آنان نقش بسیار مهمی دارند.^{۲۲}

مردم ظفار علاوه بر تفاوت‌های نژادی، آیینی و فرهنگی، از لحاظ گویشی و زبان نیز با دیگر مردمان سرزمین عمان تفاوت دارند. این زبان شباهت اندکی به عربی دارد و به نحو مشخصی از شعبات زبان‌های سامی محسوب می‌شود که ظاهراً مقدم بر زبان عربی بوده و در سراسر ناحیه جنوبی جزیره العرب قبل از رسوخ زبان عربی رایج بوده است.^{۲۳} این زبان به‌ویژه در دوره قبل از

تسلط عناصر حمیری بر شبه‌جزیره عربستان کاربرد فراوان داشته است.^{۲۴} کتیبه‌هایی از این نوع در نواحی شمالی و جنوبی یمن به‌دست آمده است. زبان مردم نواحی کوهستان فاقد خط نوشتاری بوده، از لحاظ ادبی، بیشتر اشعار حماسی محلی را در بر می‌گیرد.^{۲۵} جیمز موریس در بررسی زبان و گویش مردم ظفار می‌نویسد: «آنان به زبانی سخن می‌گویند که تنها یک یا دو کلمه عربی از آن قابل فهم است.»^{۲۶} به علت سوابق دیرینه ایرانیان و نواحی بلوچ‌نشین در ارتباط با سرزمین عمان، زبان فارسی نیز در برخی از نقاط ظفار آثاری را از خود بر جای گذاشته است.^{۲۷} مقدسی نیز که در قرن چهارم ه. ق از عمان دیدار کرده، این موضوع را متذکر شده است.^{۲۸} تقسیمات اجتماعی در ظفار به‌طور چشم‌گیری به محل زندگی افراد و کوهستانی یا ساحلی بودن بستگی دارد. شالوده ساختمان اجتماعی در کوهپایه‌ها بر اساس سیستم سنتی قبیله‌ای شکل گرفته است. قبایل مختلف از نظر شیوه‌های معیشتی به‌دسته‌های کوچ‌نشین دام‌پرور، کشاورزان یکجانشین و دریانوردان و ماهی‌گیران تقسیم شده‌اند.^{۲۹} این نظام قبیله‌ای همانند دیگر نقاط سلطان‌نشین عمان در محدوده‌های مشخص و بر اساس سیستم سنتی جابه‌جایی و ییلاق و قشلاق نمایان است. قبایل بزرگ در درون خود، زیرمجموعه‌های کوچک‌تری را از طوایف تشکیل می‌دهند و هر قبیله بزرگ و یا کوچک بر اساس رسوم بازمانده از روزگاران گذشته و با ریاست مجزا روزگار می‌گذرانند. تعدد قبایل و طوایف در ظفار، حتی گاهی موجب می‌شود که زبان و نگارش یکی برای دیگری قابل فهم نباشد.^{۳۰} دو قبیله کثیرا (کشیری) و قرا، قبایل مشخص و ممتاز بوده و در تحولات منطقه ظفار به‌ویژه شورش‌های دهه ۱۹۶۰ نقش مهمی را برعهده داشتند. قبیله کثیرا یکی از پراکنده‌ترین قبایل در عربستان شرقی است و قلمرو اصلی آن به حدود حضرموت و عدن نیز می‌رسد. بیشتر افراد قبایل در دشت‌ها و نجد از کنفدراسیون طوایف کثیرا تشکیل شده و با وجود آنکه سنی مذهب و هناوی هستند، از جنبه محیطی و رسوم از دیگر نقاط عمان کاملاً متمایز دارند. گروه زیادی از افراد قبیله کثیرا در صلاله و اطراف آن نیز زندگی می‌کنند.^{۳۱} قبیله قرا به‌طور عمده در مناطق مرکزی کوه‌های ظفار به نام جبل‌القره سکونت دارند. این طایفه جزو متمول‌ترین قبایل ظفار محسوب شده، مرکب از نه قبیله اصلی و پانزده قبیله فرعی بوده و فاقد رهبری ثابت است.^{۳۲} مردمان قرا گویشی ابتدایی و غیرعربی دارند و

عموما از نسل مردم جنوب شبه‌جزیره عربستان هستند که حدود هزار سال پیش به ظفار مهاجرت کرده‌اند.^{۳۳} از مهم‌ترین طوایف کوچک کنفدراسیون قبیله فرا می‌توان به قبیله المشایخ و بیت عیسی در غرب و قبایل شهرها (شهره) و مهرآ (مهره) در شرق ظفار اشاره کرد.^{۳۴} قبیله مهرا گویش غیرعربی داشته و از هزار سال پیش به اطراف کوه‌های قره مهاجرت کرده‌اند. از دیگر قبایل عمده در منطقه ظفار می‌توان به بوثاری، شهاده و حرسی اشاره کرد.^{۳۵} قبیله حرسی در محدوده بیابان جده الحراسیس سکونت دارند و زبان آنها در ردیف زبان‌های عربی است.^{۳۶}

بررسی تاریخ چند هزار ساله ظفار از کهن‌ترین ایام تا قرن نوزده میلادی نشان می‌دهد که در تمامی این مدت، منطقه در حالتی نیمه مستقل به رهبری رؤسای مختلف کنفدراسیون قبایل اداره می‌شد و هیچ حکومتی به تنهایی توانایی اداره و حاکمیت بر سرتاسر ظفار را نداشت. از ابتدای قرن نوزده میلادی سلاطین اباضی مذهب مسقط که به تدریج دارای قدرت نظامی و اقتصادی گسترده‌ای شده بودند، با هدف ضمیمه‌سازی ظفار به این بخش از سرزمین عمان فعلی توجه نشان دادند. تلاش‌های سلاطین مسقط برای تسلط بر ظفار تا پیش از این زمان همواره با شکست و ناکامی همراه بود. به‌طور کلی می‌توان گفت که از سال ۱۸۷۰ به بعد بود که مسقط توانست ادعا کند به‌صورتی عملی و واقعی مسئولیت‌هایی را در ظفار به عهده دارد و از آن روزگار به‌شکل صوری و کاملاً سست، ظفار تحت مالکیت سلاطین مسقط درآمد.^{۳۷} در سال ۱۹۳۲ سلطان سعید بن تیمور با کنار گذاشتن پدر خود - تیمور بن فیصل (حکومت ۳۲ - ۱۹۱۳) - بر تخت سلطنت نشست. او از سال ۱۹۵۸ در قصر الحسنی در نزدیکی صلاله - مرکز ظفار - اقامت گزید و با ازدواج با یکی از دختران ظفاری که منجر به تولد سلطان قابوس شد، حکومتی استبدادی برقرار کرد. وابستگی شدید سعید بن تیمور به انگلستان و حضور مداوم نیروهای نظامی بریتانیا در ظفار، تلاش ماجراجویان و کاشفان اروپایی و آمریکایی در پی بالا گرفتن تب نفت به‌منظور دستیابی به ثروت‌های منطقه ظفار و نبرد میان امامت و سلطنت در دهه ۶۰-۱۹۵۰ از نکات قابل ملاحظه در تاریخ معاصر ظفار است.

مهم‌ترین رخداد در دوران معاصر که نام ظفار را بین‌المللی کرد و آن را از حوزه مرزهای محدود عمان فراتر برد، ظهور جبهه آزادی‌بخش خلق ظفار و درگیری‌های خونین با دولت

مرکزی مسقط بود؛ رویدادی که نقطه عطفی در تاریخ این خطه ایجاد و آن را وارد تحولات نوینی کرد که پیش از آن سابقه نداشت. جنبش ظفار که از اواسط دهه ۱۹۶۰ در جنوب عمان آغاز گردید، حاصل یک سلسله شرایط و تحولات بود که در بطن سرزمین عمان و در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه وجود داشت. در سال ۱۹۶۴ عناصر پراکنده انقلابی ظفار، شامل ظفاری‌های عضو در جنبش ملی‌گرایان عرب، اتحادیه خیریه ظفار که در سال ۱۹۶۲ از جنبش ملی‌گرایان عرب منشعب شده بود، سازمان سربازان ظفار که به‌عنوان پلیس و سرباز مزدبگیر در دستگاه شیوخ عرب منطقه خدمت می‌کردند. هواداران ظفاری حزب (یورش) و پیروان مسلم بن نوفل الکثیر که در شهر الدمام عربستان سعودی فعالیت می‌کردند، با یکدیگر متحد گردیدند و جبهه آزادی‌بخش ظفار را بنیادگذار بنیاد نهادند. نخستین عملیات تعرضی جبهه پس از کنگره اول در ۹ ژوئن ۱۹۶۵ که «روز انقلاب» نیز نامیده شد، انجام گرفت و جبهه رسماً آغاز انقلاب مسلحانه را اعلام نمود. این جنبش نبرد خونینی را بنیاد گذارد که در حدود ده سال به طول انجامید. سرانجام در ۲۲ آذر ۱۳۵۴، سلطان قابوس پادشاه عمان طی یک مصاحبه رسماً پایان جنگ ظفار را اعلام داشت. در سرکوب این جنبش با تمایلات مارکسیستی نیروهای نظامی ایران نقش قاطعی را ایفا نمودند.

اصلاحات اقتصادی

سلطان قابوس پس از کودتای ژوئیه ۱۹۷۰ با درک صحیح از این واقعیت که برنامه‌های عمرانی در جامعه بسیار عقب‌مانده عمان و ظفار ضربه شدیدی به جبهه خلق خواهد زد، فعالیت اصلاحی گسترده‌ای را آغاز کرد. در نتیجه دولت مرکزی عمان ضمن تشدید عملیات نظامی، طرح اقتصادی موسوم به «برنامه قلب‌ها و روح‌ها» را با هدف بهبود زندگی و رفاه اجتماعی مردم به اجرا گذاشت. بر این اساس بنا بود دولت با اتخاذ و اجرای یک سلسله برنامه‌های عمرانی در قلب و روح قبایل منطقه ظفار نفوذ کرده، مردم را به حکومت مرکزی متمایل و علاقه‌مند ساخته و آنها را از صفوف چریک‌ها جدا کند. مهم‌ترین ابزار دولت مسقط در اجرای چنین برنامه‌ای، افزایش درآمدهای نفتی بود. تا پایان سال ۱۹۷۲ تقریباً ۶۰ درصد از بودجه ملی عمان، صرف

امور دفاعی و نظامی می‌شد و دیگر پول چندانی باقی نمی‌ماند که به طرح‌های عمرانی اختصاص یابد. پس از افزایش چهار برابری درآمدهای نفتی در سال ۱۹۷۳ و افزایش تولید حوزه‌های نفتی، دولت به منابع جدید درآمد دست یافت. استخراج نفت از دو میلیون تن در سال ۱۹۶۶ به هفده میلیون تن در ۱۹۷۵ افزایش یافت. درآمدهای نفتی نیز از ۱۰۰ میلیون دلار در ۱۹۶۹ به ۱۲۵۰ میلیون دلار در ۱۹۷۵ رسید که با توجه به جمعیت حدود یک میلیون نفری عمان، درآمد سرانه قابل ملاحظه‌ای را می‌توانست ایجاد کند.^{۳۸} در نتیجه هم‌زمان با ثابت نگه داشتن هزینه‌های جنگ، طرح‌های عمرانی متعددی به اجرا درآمد. سلطان قابوس در این ارتباط اظهار داشته بود: «نخستین هدف ما این است که در راه بالا بردن مقام کشور و سطح زندگی هم‌وطنان در تمامی رشته‌های زندگی تلاش کنیم. به همین جهت، از هیچ فعالیتی در راه وطنمان کوتاهی نخواهیم کرد تا قیافه کشوری عقب‌مانده تغییر یابد.»^{۳۹}

قابوس در نخستین گام برای ایجاد دگرگونی‌های اصلاحی و وحدت ملی، نام کشور را از مسقط و عمان به سلطنت عمان تغییر داد.^{۴۰} او پس از اعلام وحدت ملی کشور گفت: «امروز دیگر میان ساحل و مرکز عمان تفاوتی وجود ندارد و همه ما در برابر آینده و سرنوشت یک ملت سهیم هستیم.»^{۴۱} وی سپس فرمان عفو عمومی را اعلام کرد و تمامی زندانیان زندان جلالی را که در دوران حکومت سعید بن تیمور محبوس بودند، آزاد شدند.^{۴۲} پس از خاتمه نبردهای خونین در سال ۱۳۵۴ تمامی ساکنان ظفار نیز فرمان عفو عمومی را دریافت داشتند.^{۴۳}

از لحاظ فرهنگی و آموزشی نیز اقدامات متعدد و چشمگیری صورت گرفت. پس از گذشت دو سال از حکومت قابوس، تعداد مدارس از سه به ۶۰ باب رسید که ۱۱ مدرسه آن دخترانه بود.^{۴۴} به گفته وزیر آموزش و پرورش عمان، تعداد دانش‌آموزان پسر در سال ۱۹۷۱-۷۲ به ۱۳/۴۵۸ و محصلان دختر به ۲۵۳۱ نفر رسید.^{۴۵} تا نیمه اول ۱۹۷۳ تعداد مدارس بالغ بر ۶۵ باب شد که ۴۷ مدرسه پسرانه و ۹ مدرسه دخترانه بود و کل دانش‌آموزان به ۲۴/۳۳۵ نفر افزایش یافت.^{۴۶} آموزش سطوح تحصیلی از مقطع ابتدایی تا دانشگاه نیز رایگان اعلام شد.^{۴۷}

بلافاصله پس از کودتای ۱۹۷۰، روزنامه عمان انتشار یافت. پس از مدتی مجله/عقیده اجازه انتشار گرفت که سردبیری آن را روزنامه‌نگاری عمانی برعهده داشت که تا پیش از این در صفوف

چریک‌های ظفار می‌جنگید.^{۴۸} به تدریج روزنامه‌ها و مجلات متعددی به زبان عربی و انگلیسی در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اجازه انتشار گرفتند. در راستای رفع نیازهای مردم، به مساله درمان در توسعه کشور اولویت نخست داده شد. بنابراین تعداد مراکز بسیار اندک بهداشتی در سال ۱۹۷۰ به ۱۴۵ واحد بیمارستانی و درمانگاهی در ۱۹۸۱ افزایش یافت.^{۴۹} در سال ۱۹۸۰ و پس از آن برنامه واکسیناسیون همگانی برای کودکان شروع شد و در سال‌های بعد ایمن‌سازی کودکان در مقابل سل، دیفتی، سیاه سرفه، فلج اطفال و سرخک انجام پذیرفت.^{۵۰} برنامه اسکان اجتماعی برای افراد کم درآمد در سال ۱۹۷۳ به اجرا گذاشته شد. در همان سال، ۷۳ واحد مسکونی آماده شد.^{۵۱} سپس بزرگ‌ترین طرح اسکان با بودجه‌ای به میزان هشت میلیون دلار به اجرا درآمد. به منظور تشویق قبایل کوه‌نشین برای تغییر مکان و اقامت در واحدهای مسکونی تازه تاسیس ظفار، زمین و حقوقی برای آنان در نظر گرفته می‌شد.^{۵۲} آیندگان طی مقاله‌ای با اشاره به این مساله می‌نویسد: «دولت با تسلط بر دشت‌های بارور صلاله و باریکه‌ای از کرانه میان صلاله و ساج می‌خواهد آنجا را اصلاح کرده و ضمن گردآوری عشایر، آنها را ساکت کند»^{۵۳} از سوی دیگر بانک بین‌المللی پول در خرداد ۱۳۵۶ اعتباراتی را در زمینه توسعه منابع آب و حفر چاه‌های جدید در اختیار دولت عمان گذاشت.^{۵۴} در سال ۱۹۷۱ گروه توسعه کشاورزی در ظفار تشکیل شد. این گروه به منظور توسعه زراعت و دامداری، آزمایشگاه‌های مدرن کشاورزی را تاسیس کرد. گروه صنعتی ماشین آلات کشاورزی آمریکا^(۱) نیز با هدف پیشرفت زراعت، شش میلیون دلار برای ساخت و تجهیز آزمایشگاه‌ها در نزدیکی صلاله پرداخت.^{۵۵}

همچنین، در زمینه صنعت نفت و انرژی اقدامات گسترده‌ای در ظفار انجام گرفت. روزنامه عمان در ۲۹ آوریل ۱۹۷۸ گزارش داد که اکتشافاتی در ناحیه رصب واقع در منطقه ظفار و بیست کیلومتری چاه‌های نفت مرمول با موفقیت صورت گرفته و تا سال ۱۹۸۰ تولید و بهره‌برداری روزانه ۳۰ هزار بشکه از آن امکان‌پذیر است.^{۵۶} در آبان ۱۳۵۷ امارات متحده عربی مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار با شرایط آسان برای استخراج و بهره‌برداری از نفت ظفار در اختیار دولت

1. Farm Machinery Corporation (FMC)

مسقط گذاشت. این قرارداد نقش مهمی را در گسترش میادین نفتی در منطقه ظفار ایفا کرد.^{۵۷} استخراج ۳۰ هزار بشکه نفت روزانه از ظفار به دولت عمان کمک کرد تا صادرات خود را بیش از ۲۰ درصد افزایش دهد.^{۵۸} در زمینه استخراج و صادرات گاز طبیعی نیز قراردادی بین دولت عمان و شرکت ایتالیایی انسام بروجه^(۱) به میزان ۹۰ میلیون دلار برای ایجاد یک خط لوله انتقال گاز از منابع منطقه یبال به مسقط در اردیبهشت ۱۳۵۶ به امضا رسید. این شرکت ایتالیایی احداث خط لوله گاز از ناحیه فهود تا دریای عمان به طول ۳۲۵ کیلومتر را نیز بر عهده گرفت.^{۵۹} در نوامبر ۱۹۷۴ اولین ایستگاه تلویزیونی عمان در مسقط افتتاح شد و سپس در نوامبر ۱۹۷۵ با مشارکت شرکت‌های زیمنس آلمان و فیلیپس هلند، شبکه تلویزیونی ظفار در صلاله به پخش برنامه پرداخت.^{۶۰} نخستین سینمای عمومی در سراسر عمان هم در ۲۷ فروردین ۱۳۵۳ با گنجایش ۱۰۰۰ نفر در مسقط افتتاح شد.^{۶۱} محمد عبدالرحیم فقیر محمد، مدیرکل وزارت بازرگانی و صنعت عمان، در مصاحبه‌ای با روزنامه عمان مورخ ۱۹۸۰/۱/۲۲، ضمن بررسی روند پیشرفت برنامه اقتصادی و عمرانی عمان از ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ گفت: «در مرحله اول، ایجاد و زمینه‌سازی‌های لازم برای توسعه اقتصادی و اجتماعی به‌طور اخص، و ایجاد و توسعه امکانات به‌طور عموم مورد توجه بوده است. در همان حال، قوانین و مقررات لازم برای بنای یک دولت امروزی به وجود آمد. سپس کارخانه‌ها، مدارس، مراکز آموزشی، جاده‌ها، بنادر، فرودگاه، بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی تاسیس شدند. این امر سبب افزایش محصولات تولیدی محلی از ۱۰۳/۶ میلیون ریال عمانی در ۱۹۷۰ به ۵۶۵/۲ میلیون ریال در پایان ۱۹۷۴ شد که رشد ۴۴۵ درصدی را نشان می‌دهد. بخش‌های ساختمانی و ترابری و ادارات عمومی، پیشرفت‌های بسیار زیادی داشتند. نسبت مصرف کلی دولتی و بخش خصوصی از محصولات محلی در بازار داخلی از ۳۲/۴ درصد در ۱۹۷۰ به ۴۳/۳ درصد در ۱۹۷۴ افزایش یافت. نسبت هزینه سرمایه‌گذاری کل دولتی و بخش خصوصی نسبت به محصولات محلی با توجه به قیمت‌های بازار از ۱۲/۵ درصد در ۱۹۷۰ به ۳۰/۶ درصد در ۱۹۷۴، رشد داشته است. بر این اساس، درآمد سرانه

1. Ensome Brouje

اتباع عمان از ۶۷ ریال عمانی در ۱۹۷۰ به حدود ۶۰۴ ریال در ۱۹۷۸ یا از ۲۳۱ دلار به دو هزار دلار افزایش یافته است.^{۶۲} روند اصلاحات اقتصادی دولت عمان در دهه‌های ۹۰ و ۲۰۰۰ استمرار یافت. درآمد دولت عمان از تولیدات صنعتی، کشاورزی و نفت در طول ۹ سال گذشته ۱۴۶/۶ درصد رشد داشته است. بنا به گزارش وزارت اقتصاد عمان، میزان درآمد این کشور از تولیدات اقتصادی در سال ۲۰۰۰ حدود ۷/۵ میلیارد ریال (۱۹ میلیارد دلار) بوده است. این میزان در ۲۰۰۹ به رقم بی‌سابقه ۱۸/۵ میلیارد ریال (۴۶/۹ میلیارد دلار) رسیده که حکایت از رشد ۱۴۶/۶ درصدی دارد. بخش صنعت عمان نیز با پنج برابر شدن درآمد آن از ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ به ۳/۹ میلیارد ریال (۹/۹ میلیارد دلار) رسیده است. دولت عمان در سال‌های اخیر با راهاندازی چند منطقه آزاد و تجاری - صنعتی تلاش کرده است میزان درآمد خود را از این بخش افزایش دهد.^{۶۳} عمان، یکی از تولیدکنندگان کوچک غیرعضو اوپک در حوزه خلیج فارس به‌شمار می‌آید، اما بهای نفت خام صادراتی این کشور، شاخصی برای حدود ۱۲ میلیون بشکه نفتی است که از کشورهای عمده صادرکننده نفت در حاشیه خلیج فارس به آسیا صادر می‌شود. آمارهای دولت عمان حاکی از آن است که ۶۰ درصد از درآمدهای این کشور از محل فروش نفت تامین می‌شود. وزارت نفت و گاز عمان در گزارش ماهانه خود اعلام کرد: تولید نفت و میعانات گازی عمان در مارس ۲۰۱۲ با ۲۰۱ درصد افزایش نسبت به دوره مشابه سال گذشته به میانگین ۹۰۳ هزار و ۸۵ بشکه در روز (مجموع ۲۷ میلیون و ۹۹۰ هزار بشکه) رسید.^{۶۴} علاوه بر نفت، آهن و مس جزو منابع معدنی عمان هستند، ضمن آنکه صنایعی در زمینه تولید منسوجات، سیمان، صنایع دستی و کبریت‌سازی در این کشور فعالند. عمان در سال‌های گذشته به‌طور متوسط سالانه ۳۰ میلیون تن استخراج قلع داشته است. یونجه، خرما، نارگیل، گندم، جو، نیشکر و موز از مهم‌ترین تولیدات کشاورزی عمان هستند و ماهی، میگو و شتر جزو تولیدات شیلاتی و دام‌پروری این کشور محسوب می‌شوند.

اصلاحات سیاسی عمان تحت تاثیر ضرورت‌های نوین جهانی

عمان بعد از سیاست انزواگرایی در زمینه روابط خارجی تز اصلی سیاست خارجی خود را ایفای نقش منطقه‌ای از طریق برقراری ارتباط با قدرت‌های اثرگذار بین‌المللی در چارچوب منافع

ملی قرار داده است. به این ترتیب با توجه به تغییرات ساختاری سلطنت عمان پس از روی کار آمدن سلطان قابوس، عمان از توانایی‌های جدیدی برای تنظیم سیاست خارجی برخوردار شد و رفتار هدفمندی را در انتخاب متحدان و تلاش برای ایفای نقش منطقه‌ای برگزیده است. سلطنت عمان تا قبل از به قدرت رسیدن سلطان قابوس بن سعید در ۱۹۷۰، سیاست خارجی مدون و قابل رویتی نداشت، سعید بن تیمور، سلطان قبلی، سیاست خارجی انزواگرایانه شدیدی را اجرا کرد و در نتیجه آن با هیچ کشور جهان ارتباط نداشت. این کشور نه تنها عضو سازمان ملل و اتحادیه عرب نبوده، بلکه در هیچ یک از سازمان‌های بین‌المللی عضویت نداشت و غیر از هند و بریتانیا که با تنظیم روابط خارجی آن نمایندگی این کشور را در جامعه بین‌المللی به عهده گرفته بودند، با هیچ کشور دیگری روابط دیپلماتیک نداشت. تحلیل‌گران مسائل عمان روی کار آمدن سلطان قابوس را به معنای پایان دوران انزوای عمان تلقی می‌کنند؛ زیرا این کشور بلافاصله به اتحادیه عرب ملحق و در اکتبر ۱۹۷۱ به سازمان ملل پیوست و در ۱۹۷۵ با ۲۵ کشور روابط دیپلماتیک برقرار کرد. علاوه بر آن، تلاش‌های گسترده‌ای را برای ایجاد نزدیکی دیپلماتیک با کشورهای شاخص عربی از جمله عربستان، قطر و امارات به کار گرفت.^{۶۵}

در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی سیاست اصلاحات اقتصادی ادامه یافت، اما دگرگونی‌های خاصی از دیدگاه سیاسی در عمان بروز ننمود. در حقیقت زخم‌های ناشی از جنگ خونین بی‌حاصل چریکی گذشته، فقر مضاعف و سیاست مماشات و راضی نمودن تمامی گروه‌ها از سوی سلطان قابوس این وضعیت سکون را استمرار بخشید. از جمله وقایع مهم در این دوران اینکه قوای ایران بعد از انقلاب اسلامی، از عمان خارج شده و نیروهای مصری جایگزین آن گشتند. در سال ۱۹۸۰ نیز یک پیمان نظامی میان عمان و آمریکا منعقد گشت. سلطان قابوس هم‌زمان با برقراری روابط بسیار دوستانه با ایران و عربستان، به انگلیس و آمریکا اجازه داد پایگاه‌های نظامی در عمان ایجاد کنند.

مقارن با تحولات شمال آفریقا و خاورمیانه در ارتباط با بهار عربی، سلطنت عمان بر روند اصلاحات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود سرعت بخشیده است. سرمنشا تحولات اعتراضی در عمان، از شهر «صحار» واقع در شمال «مسقط» آغاز گردید. تعداد معترضان که بهار عربی را

در عمان کلید زدند در ابتدا از ۱۰۰ نفر فراتر نمی‌رفت، اما به مرور اعتراضات جدی‌تر شد و نیروهای امنیتی عمان دو نفر از معترضان را کشتند. به گزارش خبرگزاری رویترز در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۰ چند هزار معترض عمانی پس از نماز جمعه شهر ساحلی صلاله در جنوب کشور عمان با برپایی تظاهرات خواستار ایجاد اصلاحات دموکراتیک و مبارزه با فساد در این کشور شدند. فعالان عمانی گفتند: از زمان شروع اعتراضات مردمی در عمان شهر صلاله در چهارمین جمعه متوالی شاهد تظاهرات ضدولتی صدها نفر از شهروندان بوده است.

تظاهرات کنندگان که در محاصره ده‌ها نیروی پلیس این کشور بودند، شعار می‌دادند: «مردم خواهان پایان فساد در عمان هستند» و «مردم خواهان اصلاحات هستند». معترضان عمان محور مطالبات خود را بهبود دستمزدها، فراهم شدن فرصت‌های شغلی و مبارزه با فساد متمرکز کرده‌اند، به‌ویژه که مردم عمان از محاکمه نشدن وزرایی که به علت فساد برکنار شده‌اند، خشمگین و ناراضی هستند. یک فعال حقوقی شرکت‌کننده در تظاهرات نیز گفت: مردم روزبه‌روز سقف مطالبات خود را برای ایجاد اصلاحات بالا می‌برند، در آغاز خواسته‌ها تنها نیازهای اقتصادی بود، اما مردم اکنون هوشیار شده و خواستار بهره‌مندی از آزادی‌های مشروع هستند. این در حالی است که تحصن مردمی در برابر مقر استانداری شهر صلاله نیز انجام شده و متحصنین خواستار مبارزه سلطان قابوس، پادشاه عمان با فساد رایج در این کشور هستند. تحصن مردمی در شهر مسقط پایتخت عمان نیز صورت گرفته است. این واقعه در کشوری که ظرف ۴۰ سال گذشته شاهد هیچ درگیری میان مردم و نیروهای امنیتی نبود، قابل توجه بود، اما برخلاف خیزش سایر کشورهای عربی خواسته‌های اساسی معترضان، تغییرات و اصلاحات در زمینه اقتصادی به‌ویژه اشتغال و افزایش حقوق بود. موضع سلطان قابوس در برابر این اعتراضات ایجاد سریع ۵۰ هزار فرصت کاری به شکل فوری و اختصاص مقرری ماهانه برای کارجویان تا زمان اشتغال به کار آنان بود. وی اخیراً نیز وعده اختصاص دو میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار مشوق اقتصادی به مردم را داده است که از جمله اعطای حقوق ماهیانه به بیکاران و افزایش حقوق کارمندان دولتی است. او در مارس ۲۰۱۱ نیز وعده انتقال برخی از اختیارات قانون‌گذاری را به شورای عمان که نهادی مشورتی است و برخی اعضای آنها منتخب هستند، داده بود. در این تاریخ سلطان قابوس برخی

وزیران متهم به فساد را برکنار کرده، اقدامات دیگری را برای راضی نگه داشتن مردم خود انجام داد. همچنین در تداوم تلاش سلطان قابوس برای ایجاد اصلاحات و انتخاب وزیران جدید اطلاع‌رسانی و دادگستری، عبدالمومن الحسینی به‌عنوان وزیر اطلاع‌رسانی و شیخ عبدالمالک الخلیل وزیر دادگستری عمان انتخاب گشتند.^{۶۶}

در سایه تاثیر بهار عربی و رویدادها و اعتراض‌هایی که در اسفند ۱۳۹۰ در عمان اتفاق افتاد، انتخابات دور جدید شورای عمان تا حدودی متفاوت از دوره‌های قبل بود. در این انتخابات که ۲۳ مهر برگزار شد، برای تصاحب ۸۴ کرسی مجلس ۱۱۳۳ نفر، از جمله ۷۷ زن خود را نامزد کرده بودند. رقم زنان کاندیدا نیز نسبت به دور قبل تقریباً ۴ برابر شده بود. از یک میلیون و ۹۰۰ صدهزار نفری اهالی بومی عمان ۵۲۲ هزار نفر از صاحبان حق رای برای شرکت در این انتخابات ثبت‌نام کرده بودند که نسبت به دور قبل افزایشی ۲۷ درصدی را نشان می‌داد. در دوره‌های قبلی انتخابات مجلس شورا عمدتاً نمایندگان و وابستگان به رهبران قبایل و محافل پرنفوذ نزدیک به دربار بودند که فهرست‌های انتخاباتی را تعیین می‌کردند. این بار نیز ۲۰۰ نامزد مستقل زیر فشار محافل یاد شده مجبور شدند از شرکت در انتخابات صرف‌نظر کنند. با این همه، راه‌یافتن سه تن از فعالان حقوق بشر و از سازمان‌دهندگان و فعالان اعتراض‌های اسفند ۱۳۹۰ به مجلس جدید نشان‌دهنده گسستی ولو محدود در روند یاد شده است؛ گسستی که تحت تاثیر بهار عربی و اعتراض‌های چندماه پیش در خود عمان، امکان واقعیت یافته است. این بار یک زن نیز به شورای مشورتی راه یافته است. چهار روز پس از برگزاری انتخابات مجلس شورای عمان، سلطان قابوس به برخی دیگر از وعده‌های کلی دیگر خود عمل کرد و به این شورا اختیارات وسیع‌تری داد. به این ترتیب، از این پس رییس شورا را پادشاه منصوب نمی‌کند، بلکه با رای مخفی نمایندگان تعیین می‌شود. شورای جدید همچنین اختیار دارد که اساساً طرح‌های قانونی بنویسد و تصویب کند که اجرای آنها در صورت تایید سنا و پادشاه برای دولت الزامی است. در بررسی کارنامه وزیران و استیضاح آنها نیز شورا صاحب اختیارات بیشتری شده است. همچنین از این پس به هنگام مرگ پادشاه اگر اعضای خانواده سلطنتی نتوانند ظرف سه روز بر سر جانشین او به توافق برسند، شورای دفاعی کشور در جلسه‌ای مشترک با روسای مجلس شورا و سنا و دو عضو از

سالخورده‌ترین نمایندگان این دو نهاد در این باره تصمیم خواهد گرفت. نکته مهم آن است که در این زمینه سلطان قابوس که از ۴۰ سال پیش بر عمان حکمرانی می‌کند، فاقد فرزند است.^{۶۷} در اوایل دی ۱۳۹۱، برای نخستین بار انتخابات شورای شهر در سراسر عمان برگزار شد. ۱۴۷۵ تن به‌عنوان نامزدهای مستقل برای حدود ۶۰ شورای شهر در سراسر عمان نامزد شده بودند؛ چرا که فعالیت احزاب سیاسی در این کشور ممنوع است. به گفته خالد بن هلال البوسعیدی، از مسئولان وزارت کشور عمان و رییس کمیته انتخابات این کشور، میزان مشارکت مردم در انتخابات از ۵۰ درصد تجاوز نموده و از میان ۱۹۲ عضو منتخب شورای شهر، چهار زن از میان ۴۶ نامزد زن پیروز انتخاب شدند. این انتخابات در ۱۰۴ مرکز انتخابیه برگزار شد و مسئولان عمانی این روز را تعطیل عمومی اعلام کردند تا شهروندان فرصت شرکت در انتخابات را داشته باشند و به همه کارمندان بخش خصوصی و دولتی حقوق کامل آنها پرداخته شد. پیش از این عمان تنها دارای یک شورای شهر مرکزی در مسقط بود که اعضای آن از جانب دولت تعیین می‌شدند. بر اساس دستور سلطان قابوس، شوراهای شهر هیچ قدرت اجرایی نخواهند داشت و تنها می‌توانند در زمینه بهبود خدمات‌رسانی شهرداری‌ها توصیه‌هایی را ارایه کنند.^{۶۸} انتخابات شورای شهر و روستا اولین انتخابات در نوع خود در تاریخ سلطان‌نشین عمان به‌شمار می‌رود که در سایه تحولات گسترده در خاورمیانه برگزار شد.

نتیجه‌گیری

سلطنت‌نشین عمان، جامعه‌ای قبیله‌ای با تکیه بر تعصبات و آداب و سنن عشیره‌ای سنتی کهن است. بیش از دویست قبیله در این کشور یافت می‌شود که از مشخص‌ترین ویژگی‌های اجتماعی این سرزمین به‌شمار می‌آید. مجموعه‌ای گوناگون از نژادهای عرب و غیرعرب با مذاهب اسلام از شاخه‌های اباضی، تسنن، تشیع دوازده امامی، اسماعیلیه، بودایی، هندو، مسیحی و یهود در این سرزمین زندگی می‌کنند. در سال ۱۹۳۲ سلطان سعید بن تیمور با کنار گذاشتن پدر خود - تیمور بن فیصل (حکومت ۳۲ - ۱۹۱۳) - بر تخت سلطنت نشست. او از سال ۱۹۵۸ در قصر الحسنی در نزدیکی صلاله - مرکز ظفار - اقامت گزید و با ازدواج با یکی از دختران ظفاری

که منجر به تولد سلطان قابوس شد، حکومت استبدادی را برقرار کرد. سلطان قابوس پس از کودتای ژوئیه ۱۹۷۰ فعالیت اصلاحی گسترده‌ای را آغاز کرد. مهم‌ترین ابزار دولت مسقط در اجرای چنین برنامه‌ای، افزایش درآمدهای نفتی بود. وی در نخستین گام نام کشور را از مسقط و عمان به سلطنت عمان تغییر داد، سپس فرمان عفو عمومی اعلام کرد و تمامی زندانیان زندان جلالی که در طی حکومت سعید بن تیمور محبوس بودند، آزاد شدند. به تدریج روزنامه‌ها و مجلات متعددی به زبان عربی و انگلیسی در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اجازه انتشار گرفتند. در راستای رفع نیازهای مردم به مساله درمان در توسعه کشور اولویت نخست داده شد. تلاش‌های گسترده‌ای نیز به منظور توسعه بخش کشاورزی، دامداری و تولید احشام و ماهی‌گیری صورت گرفت. در زمینه ارتباطات مجموع خطوط مواصلاتی ساخته شده از ۱/۸۲۷ کیلومتر در سال ۱۹۷۰ به ۴/۵۳۲ کیلومتر در ۱۹۷۴ و ۱۱/۹۵۶ کیلومتر در ۱۹۸۱ افزایش یافت. در زمینه صنعت نفت و انرژی، خطوط مواصلاتی، فرودگاه و نیرو اقدامات گسترده‌ای در عمان انجام گرفت. روند اصلاحات اقتصادی دولت عمان در دهه ۹۰ و ۲۰۰۰ استمرار یافت. درآمد دولت عمان از تولیدات صنعتی، کشاورزی و نفت در طول ۹ سال گذشته ۱۴۶/۶ درصد رشد داشته است. میزان درآمد این کشور از تولیدات اقتصادی در سال ۲۰۰۰ حدود ۷/۵ میلیارد ریال (۱۹ میلیارد دلار) بوده است. این میزان در سال ۲۰۰۹ به رقم بی‌سابقه ۱۸/۵ میلیارد ریال (۴۶/۹ میلیارد دلار) رسید که حکایت از رشد ۱۴۶/۶ درصدی دارد. بخش صنعت عمان نیز با پنج برابر شدن درآمد آن از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ به ۳/۹ میلیارد ریال (۹/۹ میلیارد دلار) رسید.

مقارن با تحولات شمال آفریقا و خاورمیانه در ارتباط با بهار عربی، سلطنت عمان بر روند اصلاحات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود سرعت بخشیده است. برخلاف خیزش سایر کشورهای عربی خواسته‌های اساسی معترضان عمانی، تغییرات و اصلاحات در زمینه اقتصادی به‌ویژه اشتغال و افزایش حقوق بوده است. اصلاحات یاد شده در زمینه توسعه و عمران با استقبال گسترده به‌ویژه توده‌های عامی و متوسط جامعه و واکنش محتاطانه فعالان مدنی و هواداران سلطنت مشروطه روبه‌رو شده است. اما هم دامنه محدود تغییرات در قانون اساسی، هم ترکیب شورا مشورتی که

عمدتاً قبیله‌ای و تحت تاثیر محافل پرنفوذ مناطق باقی مانده و هم این واقعیت که مصوبات شورا باید باز هم به تایید مجلس سنایی برسند که نمایندگانش منصوب شاه هستند، از نکات مورد انتقاد مخالفان است. عمان پیوسته به نوعی از ثبات محافظه کارانه در رویکردها و جهت گیری های بین المللی و منطقه‌ای اش مشهور بوده است. برد و تاثیر این سیاست تا به حدی است که در ۳۰ سال گذشته برخلاف اکثر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس کمتر تنشی در مناسبات عمان و ایران به وجود آمده است. این سیاست خارجی در اصل ادامه سیاست داخلی عمان است. در عرصه اجتماعی و سیاسی هم سلطان قابوس نوعی ثبات توأم با اصلاحات محافظه کارانه را دنبال کرده و به رغم قدرت مطلقه اش با خواسته های محدودی که در جامعه محافظه کار عمان شکل گرفته، همراهی و هم گامی کرده تا «ثبات» کشور و نظام سلطنت دستخوش بحران نشود. بر این اساس بهار عربی با وجود برخی اثرگذاری ها و تحرکات، به مانند سایر مناطق شمال افریقا و خاورمیانه پتانسیل تشدید خشونت، جنگ های چریکی، تغییر رژیم و سرنگونی نظام پادشاهی را نخواهد داشت. بافت سنتی جامعه عمان، پراکندگی نژادی، طیف و سیع و چندبعدی دینی، تجارب تلخ از جنبش های خونین و بدون فرجام چپ گرا در جنوب عمان، سیاست توسعه و عمران حکومت مرکزی و اصلاحات آرام و تدریجی سیاسی از مهم ترین عوامل اثرگذار بر این فرایند هستند. با این حال، عمان در حال حاضر در موقعیت دشوار تاریخی گیر افتاده است. از طرفی اصلاح طلبان به سلطان فشار می آورند تا بر وسعت و عمق اصلاحات بیفزاید، در حالی که نیروهای سیاسی و نظامی قدیم که از وضعیت سابق سودهای کلان می بردند اصرار دارند اوضاع و موازنه قدرت گذشته همچنان پایدار و استمرار یابد از سوی دیگر، در نبود جانشین مشخص برای سلطان قابوس، تحلیلگران و دیپلمات ها از درگیری داخلی در داخل خانواده حاکم و نزاع های قبیله ای و نابودی ثبات سیاسی عمان در هنگام انتخاب جانشین برای پادشاه نگران هستند این یک موضوع سخت و پیچیده است و عمانی ها احساس می کنند به سمت آینده حرکت می کنند بدون اینکه رهبر آینده خود را بشناسند خطر چالش ها و درگیری در داخل خانواده حاکم وجود دارد. در هنگام انتخاب جانشین سلطان قابوس، ارتش عمان می تواند از یک گروه و نیروهای امنیتی می تواند از گروه دیگری حمایت کنند و این دگردیسی می تواند زخم های کهنه و اختلافات مذهبی و فرهنگی و اجتماعی خاموش را روشن سازد.

وضعیت کلی اقتصادی عمان

ردیف	عنوان	توضیحات
۱	تولید ناخالص داخلی	۶۷ میلیارد دلار
۲	درآمد سرانه Per Capita	۲۰۰،۲۰ دلار
۳	نرخ تورم (درصد)	۱۲/۵ درصد (۲۰۰۸)
۴	نرخ بیکاری (درصد)	۱۵ درصد
۵	مقدار بودجه سالانه دولت (میلیارد دلار)	درآمد: ۱۴/۶- هزینه: ۱۶/۷
۶	نرخ رشد واقعی تولید ناخالص داخلی	۶/۴ درصد (۲۰۰۸)
۷	میزان سرمایه‌گذاری خارجی در داخل میزان سرمایه‌گذاری مستقیم در خارج	----- -----
۸	سهم بخش‌ها در GDP کشاورزی صنایع خدمات	- کشاورزی - ۲/۱ درصد - صنعت - ۳۷/۲ درصد - خدمات - ۶۰/۷ درصد
۹	ذخایر ارز و طلا	۱۱/۱۱ میلیارد دلار
۱۰	حجم کل واردات از جهان	۱۶ / ۰۲۴ میلیارد دلار
۱۱	اقلام مهم وارداتی از جهان	ماشین آلات و تجهیزات حمل و نقل، کالاهای ساخته شده، مواد غذایی، حیوانات زنده، انواع روغن‌های صنعتی.
۱۲	شرکای عمده در زمینه واردات	امارات ۹/۳ درصد، ژاپن ۱۷/۶ درصد، آمریکا ۷/۴ درصد، آلمان ۵/۲ درصد، هند ۴/۱ درصد
۱۳	حجم کل صادرات به جهان	۲۴/۶۹۱ میلیارد دلار
۱۴	اقلام مهم صادراتی به جهان	نفت خام، صادرات مجدد، ماهی، فلز، منسوجات
۱۵	شرکای عمده در زمینه صادرات	چین ۲۶/۸ درصد، کره جنوبی ۱۵/۲ درصد، ژاپن ۴/۳ درصد، تایلند ۱۰/۴ درصد امارات ۷/۶ درصد، آمریکا ۴/۳ درصد، ایران ۴/۱ درصد
۱۶	میزان بدهی خارجی	۶/۱۲ میلیارد دلار (۲۰۰۸)
۱۷	محصولات صنعتی	نفت خام و فرآورده‌های نفتی، گاز طبیعی، سیمان، مس، فولاد، مواد شیمیایی، مصالح ساختمانی، فیبر نوری
۱۸	تولیدات کشاورزی	خرما، موز، سبزیجات، لیموترش، یونجه، ماهی، احشام

پی‌نوشت‌ها:

1. Anonymous, Ministry of Information, Oman 98/99, Sultanate of Oman, p. 364.
۲. لنی زیگل و دیگران، *از آرژانتین تا یونان*، بررسی وضع ملتهای جهان، ترجمه امید بهروزی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳، ص ۱۵۸.
3. John Duke Anthony, *Historical and Cultural Dictionary of the Oman and the Emirates of Eastern Arabia*, The Scare Crew Press, inc, Metuchen, n. j, 1976, p. 9.
4. Ibid., p. 16.
۵. پیروز مجتهدزاده، «سرزمین قبیله شیحو»، *مجله دانشمند*، شماره ۱۴۶، آذر ۱۳۵۴، ص ۱۲.
6. *Historical and Cultural Dictionary of the Oman and The Emirates of Eastern Arabia*, p. 13; Anonymous, *Britanica World Date*, Britanica Encycloaepdia, Inc, University of Chicago, Chicago, 1990, p. 1990;
- عباس یگانه، عمان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴، ص ۴۹.
۷. شهین دخت کامران مقدم، *تاریخ کشورهای هم‌جوار ایران*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۳۵۷.
8. *Historical and Cultural Dictionary of the Oman and the Emirates of Eastern Arabia*, the Scare Crew Press, pp. 43- 44.
۹. حسن ابراهیم حسن، *تاریخ سیاسی اسلام از آغاز تا انقراض دولت اموی*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: جاویدان، ۱۳۶۰.
۱۰. هرایر دکمچیان، *جنبش‌های اسلامی در جهان عرب*، ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان، ۱۳۷۲، ص ۲۳۵.
۱۱. همان.
۱۲. عمان، ص ۱۸؛ زینب متقی‌زاده، *جغرافیای سیاسی شیعیان، منطقه خلیج فارس*، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴، ص ص ۸۶ - ۸۹؛ محمد باقر حشمت‌زاده، *تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵، ص ص ۱۰۷ - ۱۰۴.
13. Patricia Risso, *Oman and Muscat: an Early Modern History*, Croom Helm Ltd., London: 1986, pp. 43- 44.
۱۴. شهین دخت کامران مقدم، پیشین، ص ۳۶۳.
15. Johnic Wilkinson, *the Imamate Tradition of Oman*, Cambridge: University Press, 1987, p. 149.
۱۶. پیروز مجتهدزاده، *کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس*، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۶.
17. Anonymous, *the Europa World Year Book*, Vol. 11, London: Europa Publications Limited, 1998, p. 291.
18. Skeet Lan, *Muscat and Oman, the End of and Era*, London: Fabber and Fabber, 1978, p. 157.
19. Morris James, *Sultan in Oman*, London: Fabber and Fabber, 1955, p. 31.
۲۰. عباس یگانه، پیشین، ص ۷۴.
۲۱. دونالد هاوولی، *دریای پارس و سرزمین متصالح*، ترجمه حسن زنگنه، بوشهر: مرکز بوشهرشناسی با همکاری انتشارات

- همسایه، ۱۳۷۷، ص ۸۴.
۲۲. فرد هالیدی، عربستان بی سلاطین، ترجمه بهرام افراسیابی، تهران: روزبهان، ۱۳۶۰، صص ۴۲۳-۴۲۴.
۲۳. همان، ص ۴۲۵؛ خالد بن محمد القاسمی، عمان و مسیر التحدی القیاده العمانیه و دورها فی نیالدوله العصریه، اسکندریه: المکتب الجامعی الحدیث، ۱۹۹۹، صص ۶۴-۶۲.
۲۴. س. م بورک و زایرینگ لارنس، تاریخ روابط خارجی پاکستان، ترجمه ایرج وفایی، تهران: کویر، ۱۳۷۷، ص ۳۸۵.
۲۵. فرد هالیدی، پیشین، ص ۴۲۵.
26. Morris James, op.cit., p. 45.
۲۷. سید محمد طباطبایی، «سرزمین عمان»، مجموعه مقالات خلیج فارس، ج ۱، تهران: اداره کل انتشارات رادیو، ۱۳۴۱، ص ۹۱.
۲۸. ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱، ص ۱۳۱.
۲۹. «ظفار، سرزمینی که نیروهای ایران در آن نبرد می کنند»، روزنامه کیهان، ۱۳۵۲/۱۱/۲۰، ص ۳.
30. Morris James, op.cit., p. 46.
31. *Historical and Cultural Dictionary of the Oman and the Emirates of Eastern Arabia*, op cit., pp. 27, 53, 86.
۳۲. فرد هالیدی، پیشین، صص ۵-۴۲۴؛ نورالدین حجلای، تاثیر الفكر الناصری علی الخلیج عربی (فارسی)، ۱۹۷۱-۱۹۵۲، بیروت: ۲۰۰۰، صص ۵۳-۴۵.
33. *Historical and Cultural Dictionary of the Oman and the Emirates of Eastern Arabia*, op cit., p. 83.
۳۴. فرد هالیدی، پیشین، ص ۴۲۶؛ ریاض نجیب الریس، ظفار الصراع السیاسی و العسکری فی الخلیج العربی (فارسی)، ۱۹۷۶-۱۹۷۰، بیروت: ریاض الریس المکتب و النشر، ۲۰۰۲، صص ۳۳-۲۴.
۳۵. «ظفار، سرزمینی که نیروهای ایران در آن نبرد می کنند»، پیشین.
36. *Historical and Cultural Dictionary of the Oman and the Emirates of Eastern Arabia*, op.cit., p. 51.
37. Skeet Lan, op.cit., p. 157.
۳۸. آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مسقط و عمان، از سفارت ایران در مسقط به وزارت امور خارجه، ۱۳۵۰-۵۵، جعبه ۱۸، پرونده ۲۷۸، ۱۳۵۵/۲/۵.
۳۹. «عمان، پرتکاپو و فعال در جهت تحول و صلح»، روزنامه رستاخیز، ۱۳۵۴/۴/۱۴، ص ۱۳.
۴۰. آلکسی واسیلیف، مشعل های خلیج فارس، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: کتاب های جیبی، ۱۳۵۸، صص ۵-۵۴.
۴۱. «چکیده سخنان اعلیحضرت سلطان قابوس؛ رفاه و سعادت ملت هدف ماست»، روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۲/۸/۲۷، ص ۱۴.
۴۲. «خلیج فارس در دوران سربلندی و شکوه؛ همه چیز از صفر شروع می شود»، روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۲/۲/۱، ص ۱۰.
۴۳. آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مسقط و عمان، از وزارت امور خارجه به سفارت ایران در مسقط، ۱۳۵۰-۵۵، جعبه ۱۸، پرونده ۳۰۱، ۱۳۵۵/۵/۲۹.
۴۴. «خلیج فارس در دوران سربلندی و شکوه؛ همه چیز از صفر شروع می شود»، پیشین.

۴۵. «خلیج فارس در دوران سربلندی و شکوه؛ بهداشت و آموزش و پرورش»، *روزنامه اطلاعات*، ۱۳۵۲/۲/۸.
۴۶. «عمان در راه پیشرفت‌های اقتصادی و فرهنگی»، *روزنامه اطلاعات*، ۱۳۵۲/۸/۲۷، ص ۱۴.
۴۷. عباس یگانه، پیشین، ص ۲۲.
۴۸. وزارت امور خارجه، *اطلاعاتی درباره عمان*، اداره اول سیاسی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۸، ص ۴۶.
49. *Who's Who in the Arab World-1986-87*, Pabulic Pabulations Biographical Dictionary, 1987, p. 1114.
۵۰. وزارت میراث ملی و فرهنگی سلطنت عمان، *پنجرهای به عمان*، ۱۹۹۶، ص ۱۱.
۵۱. همان.
۵۲. فرد هالیدی، پیشین، ص ۴۷۶؛ فرد هالیدی، *مزدوران انگلیسی، نیروی ضد اغتشاش در خلیج فارس*، ترجمه اختر شریعت زاده، تهران: آگاه، ص ۵۲.
۵۳. «جنگ ظفار و موجودیت عمان»، *روزنامه آیندگان*، ۱۳۵۰/۱/۲۸، ص ۹.
۵۴. آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مسقط و عمان، *از سفارت ایران در مسقط به وزارت امور خارجه*، ۱۳۵۰-۵۵، جعبه ۳۰، پرونده ۵۸۵ ۱۳۵۶/۳/۱۰.
55. David Long, *the Persian Gulf, an Introduction to its People, Politics and Economics*, Colorado: West View Press, Boulder, 1978, p. 124.
۵۶. آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مسقط و عمان، *مقاله روزنامه عمان*، ۱۳۵۰-۵۵، جعبه ۳۰، پرونده ۵۹۰.
۵۷. آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مسقط و عمان، *از سفارت ایران در مسقط به وزارت امور خارجه*، ۱۳۵۰-۵۵، جعبه ۳۰، پرونده ۵۸۷ ۱۳۵۷/۸/۲.
۵۸. *خبرگزاری جمهوری اسلامی*، میکروفیش عادی، بولتن ۴۴۱، ۱۳۵۸/۱۰/۲۴.
۵۹. آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مسقط و عمان، *از سفارت ایران در مسقط به وزارت امور خارجه*، ۱۳۵۰-۵۵، جعبه ۳۰، پرونده ۵۸۵ ۱۳۵۶/۲/۱۸.
60. Ministry of Information, op.cit., p. 60.
۶۱. «نخستین سینما در مسقط»، *روزنامه اطلاعات*، ۱۳۵۳/۱/۲۸، ص ۲.
۶۲. آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، مسقط و عمان، *مقاله روزنامه عمان*، ۱۳۵۰-۵۵، جعبه ۳۰، پرونده ۵۹۳.
۶۳. «افزایش درآمد اقتصادی عمان در ۹ سال گذشته»، *خبرگزاری جمهوری اسلامی*، ۱۳۹۱/۱/۲۵.
۶۴. شانا، «تولید نفت و گاز عمان افزایش یافت»، *شبکه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی*، ۱۳۹۰/۱/۲۰.
۶۵. «بهار انقلاب‌های منطقه به عمان رسید»، *خبرگزاری فارس*، ۱۳۹۰/۳/۱۸؛ در رابطه با سیاست خارجی عمان در دوره سلطان قابوس، ر.ک. به: سعد ابودیبه، *السیاسة الخارجية العمانية فی عهد جلاله السلطان قابوس (۱۹۹۸-۱۹۷۰)*، عمان: ۱۹۹۸.
۶۶. «سلطان قابوس اصلاحات را در عمان ادامه می‌دهد»، ۱۳۹۰/۱۲/۱۱، «سهم عمان از قافله انقلاب، سلطان قابوس ولخرجی کرد»، *خبرگزاری مهر*، ۱۳۹۰/۱۰/۱۲.
۶۷. «عمان در حاشیه بهار عربی»، بی‌بی سی فارسی، ۲۹ اکتبر ۲۰۱۱.
۶۸. «پیروزی چهار زن در انتخابات شوراهای عمان»، *خبرگزاری بین‌المللی جنبش عدم تعهد*، ۱۳۹۱/۱۰/۴.